



جزء ششم

## خدای برادرها!

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا  
تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾

سوره مائده، آیه ۲

و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری  
نمایید، و یکدیگر را بر گناه و تجاوز یاری ندهید.



## سُورَةُ الْمَائِدَةِ

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَلَةِ إِنِ امْرُؤٌ هَلَكَ  
لِإِسْرَءِءِ وَلَهُ وَاوْلَةٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ رِثَةٌ إِنِ  
لَمْ يَكُنْ لَهَا وَاوْلٌ فَإِن كَانَتَا ائْتَمَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ  
وَإِن كَانُوا إِخْوَةً رِّجَالًا وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ  
يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧٦﴾

## سُورَةُ الْمَائِدَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ  
إِلَّا مَا يَتَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ  
يُحْكُمُ مَا يَرِيدُ ﴿١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحْلُوا شَعِيرَ اللَّهِ  
وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا ءَامِينَ الْبَيْتِ  
الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا  
وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَن صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَن  
تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ  
وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

تو برایم زندگی می‌خواستی، زندگیِ رها و آزاد؛ آزاد از هر اسارت و رها از هر بردگی.

من مرده‌ای بودم در گورستان جهل و نادانی. تو زنده‌ام کردی؛ با آیات قرآنت، با نوری که در دل رسولت گذاشتی و به جهان سرازیر کردی؛ آیاتی که هر مرده‌ای را زندگی می‌دهد. ای خدای زندگی!

نسخه‌ای که تو می‌پיچی آرامش است و سعادت است و رشد. و خوشبخت کسانی‌اند که به نسخه‌ی نورانی‌ات رسیده‌اند و با آن زندگی کرده‌اند.

همان‌ها که راز تو را فهمیده‌اند؛ رازی که زندگی بهتر می‌سازد و بهترین زندگی‌ها با آن ساخته می‌شود.

راز با هم بودن، برای هم بودن، دل به دل هم دادن و پشت به پشت هم بودن.

که همه‌ی مؤمنین با هم برادرند؛ برادر دینی و ایمانی.

برادری که پشت برادر است، کمک‌حال اوست، در هر خیر و صلاحی؛ در هر کار نیکی.

تو یادمان دادی که اگر برادریم، در نیکی‌ها و خیرها برادریمان را ثابت کنیم. کسی که کمک حال فسق و گناه و کینه‌ها و غضب‌ها باشد دشمن است؛ هر چند در لباس برادر.

برادری که به زبان نیست!

برادری که به چاه می‌خواندت همانی است که قیامت از تو می‌گریزد؛ که نمی‌خواهد ببیندت.

تو یادمان دادی که کمک حال هم باشیم.

در خوبی‌ها و در مراقبت از این حال خوشی که نصیب‌مان کردی؛ از این ایمانی که به دل‌مان نشاندی.

صدایت به من رسید خدای خوبی‌ها! نور کلماتت به من تابید خدای برادرها!

تو ما را با هم می‌خواستی؛

حلقه‌های زنجیری که زیر پرچم اولیای تو کنار هم باشیم؛

ستارگانی در یک کهکشان که به نام و یاد و عشق تو روشن شویم.

می‌بوسم آن دست‌هایی را که مرا به تو رساندند.

که اگر نبودند، من به دست‌های تیره‌ این دنیا و طاغوت‌هایش، دست بیعت داده بودم.

که اگر نبودند، آجری می‌شدم در دست‌های ابلیسی‌ها و بناهایشان را بالا می‌بردم؛

کاخ‌هایشان را رونق می‌دادم، به سر مظلومان فرود می‌آمدم.

قرار نبود آن‌جا خرج شوم. قرار نیست آب در آسیابان ظلمت‌ها بریزم.

به تو پناه می‌برم و می‌خواهم به سمت دریچه‌های نور هجرت کنم.

روشنی چشم‌های تو باشم.

راه و چاه را تو نشانم دادی و صدایم زدی که بیا... بیا به سمت بهترین عمل‌ها!

بیا... ولی تنها نه! بیا به همراه همه آنها که ایمان به دل دارند!  
 بیا... به کمک همه آنها که برای رسیدن به من در تلاش اند!  
 تو خدای همه ای!  
 تو با جماعتی؛ جماعتی که دل به تو داده اند و در کنار اولیای تو پا در رکاب اند.  
 تو با قطره‌هایی هستی که دریا شده اند.  
 راز تو رمز پیروزی ما بود. به سوی تو شتافتن، باهم!  
 شاخه‌های درخت شدن برای یک ریشه؛ آجر شدن برای دیوار بلند قلمرو تو!  
 اتحاد ما، ریسمانی از نور بود که دل‌های پراکنده را به هم گره می‌زد؛  
 که سنگ‌های سخت و سنگین را از جا می‌کند و سدی می‌شد برای گرفتن  
 راه سیل‌ها و طوفان‌ها.



سوژه‌های سخن



خاطره شهید



پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه